

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۴ اپریل ۲۰۱۹

توضیح: متنی را که ملاحظه می کنید ، سخنرانی یکی از فعالان چریکهای فدائی خلق ایران در میز گردی که توسط نیروهای چپ ایرانی و اتریشی تحت عنوان "چهلمین سالگرد قیام مردمی سال ۵۷ و سرنگونی رژیم شاه در ایران" که در تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۱۹ در وین - اتریش برگزار شد ، می باشد.

ملاحظات در باره اوضاع ایران

رفقاء و دوستان عزیز !

همان طور که می دانید برنامه امروز به ابتکار چند جریان چپ اتریشی و ایرانی شکل گرفته و تلاشی است تا در چهلمین سالگرد قدرت گیری جمهوری اسلامی، اطلاعات واقعی و تصویری هر چه عینی تر از این رژیم - که یکی از اولین جلوه های بنیاد گرائی اسلامی در منطقه خاورمیانه می باشد - در اختیار شما قرار بگیرد. در ابتداء لازم است یادآوری شود که در طی چهل سال گذشته، در مورد این رژیم از جوانب مختلفی تبلیغات فریبکارانه و دروغین در سطح بین المللی صورت گرفته است که هم اکنون نیز ادامه دارد. خود رژیم جمهوری اسلامی سالهای متمادی سعی کرده خود را حامی "مستضعفین" (ظاهراً به معنی تهیدستان) جا بزند حتی چند وقت پیش - با این که همگان می بینند که جمهوری اسلامی گروه های اجتماعی گوناگون در ایران را به خاطر مبارزه برای ابتدائی و طبیعی ترین حقوقشان وحشیانه سرکوب و آن ها را دستگیر و زندانی می کند - باز خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی مدعی شد که مردم در ابراز نظراتشان آزادند یعنی گویا در ایران "آزادی بیان" وجود دارد.

از طرف دیگر در اکثر مواقع تبلیغات رسانه های امپریالیستی هم همواره تلاش کرده و می کنند که از جمهوری اسلامی چهره یک رژیم مستقل با جناح های معتدل و تندرو به افکار عمومی ارائه دهند. به خصوص کوشش می شود که این رژیم را که با هزار بند به قدرت های امپریالیستی وابسته است در تقابل با امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم امریکا نشان بدهند. متأسفانه این تبلیغات در صفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم بی تأثیر نبوده و خیلی از جریانات سیاسی که در ابتدای قدرت گیری این رژیم از درک ماهیت واقعی جمهوری اسلامی ناتوان گشتند و اعمالشان در خدمت تحکیم این رژیم قرار گرفت، امروز هم تحلیل های نادرستی از ماهیت این رژیم و عملکردهای آن ارائه می دهند و متوجه نیستند که رژیم جمهوری اسلامی تا بن استخوان به امپریالیستها وابسته است.

این رژیم یک دیکتاتوری لجام گسیخته است که در چهل سال گذشته، دسته دسته نیروهای مخالف خود را چه در زندان و چه بیرون از زندان به وحشیانه ترین شکلی به قتل رسانده است. زنان را ددمنشانه سرکوب کرده و حقوق اقلیتهای مذهبی و خلقهای تحت ستم را زیر پا لگد مال کرده است. رژیم جمهوری اسلامی در طی چهل سال حاکمیت خود نشان داده که تحمل کوچکترین مخالفت و اعتراض را ندارد تا جایی که حتی کارگرانی که برای دریافت دستمزد کارشان که به آنان پرداخت نشده دست به اعتصاب می زنند را دستگیر و مورد شکنجه قرار می دهد. درست به خاطر این حاکمیت دیکتاتور بود که در طول یکسال گذشته توده های جان به لب رسیده در ابعاد میلیونی در بیش از ۱۶۰ شهر کشور با فریاد "کار، نان، آزادی" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" به خیابانها ریخته و نشان دادند که علیه همه جناح های رژیم از اصول گرا گرفته تا اصلاح طلب بوده و شدیداً خواهان سرنوشتی تمامیت این رژیم می باشند. همین واقعیت یکبار دیگر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی در ایران فاقد هرگونه مشروعیت مردمی است.

سیاستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی چه در ایران و چه در خارج از کشور سبب شده که اعمال این رژیم همواره به یکی از تیتزهای خبری رسانه های بزرگ بدل شود و این روزها شاهدیم که رسانه های بزرگ جهانی - چه به خاطر ابعاد رو به رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و شورش های گاه و بیگاه آنان برای رهایی از سلطه بورژوازی وابسته ایران که به خاطر سودجویی و ولع سیری ناپذیر خود حتی از پرداخت کامل دستمزد های ناچیز کارگران هم اجتناب می کند و چه به خاطر دخالتهای این رژیم در سوریه و عراق و یمن و افغانستان و لبنان و یا تحریم هایی که دولت ایالات متحده آمریکا تحت عنوان "شدیدترین تحریمهای تاریخ" علیه جمهوری اسلامی اعمال نموده است - هر روز به نوعی به ایران و جمهوری اسلامی می پردازند. البته اغلب جهت این تبلیغات به گونه ای است که در بطن خود یک "ایران هراسی" آگاهانه را حمل می کند که در خدمت توجیه لازم برای پیشبرد سیاستهای امپریالیستی و کمپانی های اسلحه سازی در منطقه قرار دارد.

بنابراین برای این که بتوان در این هجوم بزرگ تبلیغاتی، درست را از نادرست تشخیص داد و تصویر هر چه عینی تری از اوضاع به دست داد باید اندکی بیشتر به عمکردهای داخلی و سیاستهای خارجی این رژیم بپردازیم. جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم وابسته به امپریالیسم در چهل سال گذشته نشان داده است که به دلیل اجرای سیاست های دو نهاد برجسته امپریالیستی یعنی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و همچنین پیشبرد سیاست های جنگی امپریالیسم آمریکا و شرکایش در منطقه خاورمیانه، فقر و فلاکت شدید و گسترده ای را به مردم ایران تحمیل کرده و کار را به آنجا رسانده که خود مسئولین دولتی اذعان می کنند که ۸۰ درصد جمعیت کشور در زیر خط فقر زندگی می کنند، جمعیتی که اکثریت آنان را کارگران تشکیل می دهند. فقر و فلاکت گسترده سبب شده، ما تقریباً هر روز در شهرهای مختلف ایران شاهد اعتصاب کارگران و تجمعات اعتراضی آنها باشیم. رشد اعتراضات و مبارزات کارگران و بقیه ستمدیدگان با وجود سلطه یک دیکتاتوری عنان گسیخته، خود بروشنی بیانگر تشدید تضاد های طبقاتی و تعمیق شکاف های طبقاتی می باشد و با توجه به این واقعیت که طبقه حاکمه در ایران و دیکتاتوری حاکم نه می خواهند و نه می توانند در جهت کاستن از شکاف طبقاتی موجود گام بردارند، شورش گرسنگان در چشم انداز شرایط کنونی قرار گرفته است. به این امر خود سردمداران جمهوری اسلامی هم اذعان دارند و می دانند که از بحرانی که در آن گرفتارند، هیچ راه برون رفتی ندارند. برای نمونه چندی پیش مشاور رئیس جمهوری ایران هشدار داد که "پتانسیل اعتراض های شهری" کماکان وجود دارد و تأکید نمود که این به خاطر آن است که "علل آن برطرف نشده است". همچنین طرفداران رژیم در نشریات خودشان هشدار می دهند که "در سال آینده هم بعید نیست شاهد اعتراضاتی از جنس اعتراضات دی ماه سال ۹۶ باشیم." در برخورد به مبارزات حق طلبانه و انقلابی مردم، این رژیم ضد خلقی هیچ راه حلی جز سرکوب این

مبارزات ارائه نمی دهد و دستگیری و شکنجه و کشتار مردم مبارز و ارتکاب به جنایات مختلف به روش هر روزه این رژیم تبدیل شده است.

در مورد سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی هم باید تأکید کنیم که تنها زمانی می توان درکی درست و واقعی از این سیاست که با دخالتگری حتی نظامی در کشورهای مختلف توأم است ارائه نمود که ماهیت جمهوری اسلامی به مثابه یک رژیم وابسته به امپریالیسم در نظر گرفته شود. برای درک این موضوع می توان فاکت های غیر قابل انکاری را ذکر کرد:

نگاهی به چگونگی قدرت گیری دار و دسته خمینی که تاکنون دهها سند در مورد آن منتشر شده حاکی از آن است که چهار قدرت بزرگ امپریالیستی وقتی با انقلاب مردم علیه رژیم شاه مواجه شدند، در کنفرانسی در گوادلوپ تصمیم به روی کار آوردن دار و دسته مذهبی خمینی گرفتند. در آن زمان به قول ژیسکار دیستن، رئیس جمهور وقت فرانسه، کارتر رئیس جمهور امریکا زنگ پایان دوران شاه را به صدا درآورد و راه برای به قدرت رساندن جایگزین او یعنی خمینی هموار شد. بر اساس اسناد منتشر شده در این سالها چهار قدرت حاضر در این کنفرانس سه شرط اساسی در مقابل دار و دسته خمینی گذاشتند که این سه شرط را خمینی کاملاً پذیرفت. اول این که ارتش دست نخورده باقی بماند و بعد صدور نفت با حفظ مصالح انحصارات امپریالیستی در این زمینه ادامه یابد و سوم این که کمونیستها و آزادیخواهان و انقلاب سرکوب شود. این سه شرط را جمهوری اسلامی در طول تمام دوران حاکمیت خود با جان و دل اجراء نموده و در مسیر پیشبرد این خواستها از هیچ جنایتی دریغ نورزیده است. سرکوب خلق ترکمن، عرب و کُرد و سازمانهای سیاسی و اعدام دسته دسته زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و سرانجام کشتار چند هزار زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷، نمونه های برجسته ای از جنایات این رژیم می باشد.

جدا از چگونگی روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی همین واقعیت که جمهوری اسلامی نه تنها هیچ خللی به ساخت اقتصادی وابسته به امپریالیسم به ارث رسیده از رژیم شاه وارد نساخت بلکه با همه توان تلاش نمود تا این نظم حفظ شده و ضربات وارد شده به آن در جریان انقلاب نیز ترمیم یابد خود به اندازه کافی گویاست که این رژیم از چه بنیان های اقتصادی حفاظت می کند. از سوی دیگر سیاستهایی که این رژیم در چهل سال گذشته در ایران و منطقه به نفع کارخانه های اسلحه سازی امپریالیستها و سیاست های جنگی آنها پیش برده است نیز خود گویای این وابستگی می باشد. نقش آفرینی در کشور های منطقه توسط جمهوری اسلامی درست در راستای منافع و مصالح امپریالیستها می باشد که با بودجه ای که باید صرف معضلات و نابسامانیهای مردم ایران می شد، اجراء می شود. با توجه به محدودیت های زمانی این برنامه، ما به تشریح همه جانبه وابستگی اقتصاد ایران و رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها نمی پردازیم. تنها در مورد خصوصیت این وابستگی آن را می توان این گونه توصیف کرد: همکاری پنهانی در حین پرخاشگری علنی. این امر قدرت مانور بزرگی به هر دو طرف داده است چون هم جمهوری اسلامی خود را مستقل و رژیمی ضد امپریالیست جا می زند و به این وسیله فریبکاری می کند و هم امپریالیستها و به خصوص امپریالیسم امریکا با مخالف جا زدن خود با این رژیم دستهای خود را که از آستین سردمداران جمهوری اسلامی بیرون آمده، می شوید و در حالی که خود را مدافع حقوق بشر نشان می دهد، جنایات این رژیم که درست در راستای منافع و مصالح وی انجام می شود را به حساب "آخوند های حاکم و ایدئولوژی اسلامی" آن ها می گذارد. شاهدیم که چگونه در پی این سیاست مکارانه در حالی که جمهوری اسلامی منافع امپریالیستها را تأمین می کند اما امپریالیسم و به خصوص امپریالیسم امریکا در ظاهر علیه این رژیم تبلیغ کرده و با دستاویز اعمال جنایتکارانه این رژیم، حضور و سلطه خود را در منطقه گسترش می دهد. درست با اتخاذ چنین سیاستی است که امپریالیستها منطقه خاورمیانه را به یک دژ نظامی

بدل کرده و میلیارد ها دالر تجهیزات نظامی به کشور های منطقه فروخته و به این وسیله امکان تنفسی برای سرمایه داری بحران زده خود مهیا می کنند.

رفقاء و دوستان عزیز،

با توجه به کمی وقت، فرصت نیست که تزهائی را که در بالا توضیح داده شد، بیشتر تشریح نمود به همین دلیل هم علاقه مندان می توانند با رجوع به سایت سازمان ما تحلیل های ما در این زمینه ها را دنبال نمایند در این جا فقط تأکید می کنیم که به باور ما بدون درک و شناخت وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم به هیچ وجه نمی توان واقعیت آنچه در ایران و منطقه از سوی این رژیم سرکوبگر پیش می رود را شناخت. مثلاً نمی توان فهمید و متوجه شد که چرا جمهوری اسلامی در حالی که فریاد های ضد امریکائی سر می داد، میزبان مک فارلین نماینده ریگان می شود و با او توافق می کند که نیاز های تسلیحاتی اش را از اسرائیل تأمین کند و قیمت سلاح ها را امریکائی ها در اختیار شورشیان نیکارگونه قرار دهند. واقعه ای که با نام ایران - کانتررا معروف شد. یا این واقعیت را نمی توان بدرستی تحلیل کرد که همین امروز جمهوری اسلامی در حالی که در عراق با رژیم دست نشانده امریکا همکاری می کند، دولت امریکا به عنوان "مقابله با اعمال حادثه جویانه جمهوری اسلامی در خارج از مرزهایش" علیه او تبلیغ کرده، حضور نظامی خویش در عراق را توجیه و علیه جمهوری اسلامی تحریم اعمال می کند.

در خاتمه ضروری است یاد آور شویم که خیزش بزرگ ستمدیدگان که در بیش از ۱۶۰ شهر و روستای کشور زمین را زیر پای جمهوری اسلامی لرزاند، متأسفانه به دلیل فقدان سازمانیابی کارگران و زحمتکشان و فقدان یک رهبری انقلابی که با توده ها در آمیخته باشد، نتوانست این رژیم را از اریکه قدرت به زیر بکشد. لذا، امروز فائق آمدن بر فقدان رهبری در جنبش برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم بیش از پیش در مقابل نیرو های مبارز و کمونیست قرار دارد، امری که تحقق آن تنها در بستر مبارزه مسلحانه علیه نظام حاکم امکان پذیر می باشد. در شرایط کنونی، رشد روز افزون بحرانهای اقتصادی و سیاسی در جامعه و تداوم مبارزات دلاورانه توده های ستمدیده، رژیم جمهوری اسلامی را در آستانه سقوط قرار داده تا آن جا که حتی نیرو های ارتجاعی به فکر آلترناتیو سازی برای جمهوری اسلامی افتاده و دم از سکولاریسم و ایجاد دموکراسی پس از سقوط جمهوری اسلامی می زنند. اما، از نظر ما، کارگران و زحمتکشان ایران تنها زمانی به آزادی و رفاه و دموکراسی خواهند رسید که نابودی جمهوری اسلامی به دست مردم و با رهبری طبقه کارگر به نابودی نظم سرمایه دارانه حاکم منجر شود. سازمان ما به مثابه یک سازمان مارکسیست لنینیست همه انقلابیون و سوسیالیستهای اتریشی را به حمایت از این خط فرا می خواند.

فعالان چریکهای فدائی خلق ایران در وین - اتریش

مارچ ۲۰۱۹

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۶، اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۷